

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

سودای غربت

چه سخت است در ملک اغیار بودن
غریب و دل افگار و بیمار بودن
به پا ، نیش خار حقارت خلیدن
چنان زار بودن، چنین خوار بودن
به ادبار ، بار مذلت کشیدن
به دوش همه دوستان بار بودن
ز اوج سعادت فرو افتادن
به کنج مصیبت نگونسار بودن
زهر زخم چشمی به دل تیر خوردن
به هر گوشه در آستین مار بودن
به هر محفلی خویش را کم شمردن
به دل داشتن محنت تنگدستی
به هر دیده بی قدر و مقدار بودن
سخن های پائین و بالا شنیدن
به سودای عالم گرفتار بودن
زهر رنگ گل بارها خار خوردن
چو لرزنده شمشاد، بی بار بودن
نه آزاد گفتن ، نه دلشاد خفتن
به چشمان همسایگان خار بودن
درین ملک سودا و وسواس کم نیست
نه در خواب بودن، نه بیدار بودن
ترا تا ببینند دیوانه خوانند
دچار چنین رنج بسیار بودن
به بازار مکارگان پا نهادن
چه لازم درین ملک هشیار بودن
به سر، تا به قعر غم و درد رفتن
به ناچار آنجا خریدار بودن
به امید روز قَرَحبار بودن

عزیزان خود مفت از دست دادن درین حسرت، آزرده و زار بودن
چنین است آزرده‌گی‌های غربت که بی‌پا و سر بر سردار بودن
چه خوب است با اینهمه نامرادی بهم دوست بودن، بهم یار بودن
«اسیر» این نصیحت بیاران ضرورست
وطندار خود را مددگار بودن

(بن - المان، جنوری ۱۹۹۹م)